

فصلنامه دانش انتظامی سمنان ، دوره دوازدهم ، شماره چهل و ششم ، زمستان ۱۴۰۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۰/۱۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۲۰

صفحات: ۲۹ - ۸

## جایگاه جامعه اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب و نقش ناجا در تحقق آن

نویسنده:

غلامرضا فخرو<sup>۱</sup>\*

### چکیده

زندگی اجتماعی و توجه به روح جامعه یکی از اساسی ترین تعلیمات قرآن است . چشم اندازی که قرآن برای جامعه انسانی و تفسیر آن در مورد عوامل فعال نقش آفرین در این جامعه ترسیم میکند ، بر پایه نگرش جامع گرایانه به انسان در تمام سطوح و اقشار به عنوان مجموعه ای متجانس و هماهنگ قرار دارد که ناظر به جنبه های آن است . در این چشم انداز ، تعبیر مختلفی در آیات قرآن و آثار متفکران می توان مشاهده کرد که به بیان سنت ها و تاریخ آن ها ، مسائل اجتماعی و دعوت به مطالعه جوامع پرداخته است . بحث از هستی ، چیستی و ترکیب جامعه ، حل کننده پاره ای از مشکلات و ابهام های موجود در مباحث اجتماعی است . اصالت دادن به فرد با جامعه ، تکلیف امکان یا عدم امکان شمول ایدئولوژی واحد بر کل جامعه ، وجود یا عدم وجود سنت ها بر آن و بسیاری از مسائل نظری و انتزاعی را در مورد جامعه حل خواهد کرد . قرآن کریم هستی پایدار جامعه را مربوط به حیات مردمی می داند که در آن زندگی می کنند و شناخت جامعه و تغییرات آن متکی به روابط اجتماعی افراد قلمداد می کند و از سویی ، با رشد و گستردگی مردم ، شبکه های وابستگی در میان آنان نیز تغییر می یابد و روابط به صورت تصاعد هندسی پیچیده تر می شود و شکل جدید تری می یابد هدف این تحقیق آن است که جایگاه جامعه اسلامی که در بیانیه گام دوم انقلاب مشخص شود و نقش ناجا در تحقق آن مورد بررسی قرار گیرد . روش مورد استفاده در این تحقیق روش توصیفی از نوع کتابخانه ای است . برای شناسایی نقش و تاثیر ناجا در تحقق جامعه اسلامی ، مقالات و منابع مرتبط با این موضوع مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت و همچنین ، همفکری و مشاوره با صاحب نظر آن و تعمیق و اندیشه پیرامون آن ها ، نقش ناجا در تحقق جامعه اسلامی ، شناسایی و یافته ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت .

کلید واژه ها : جامعه اسلامی ، بیانیه گام دوم انقلاب ، ناجا

۱ : دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان -

## مقدمه

چون بحث از جامعه موضوعی عام است، در مباحث علوم اجتماعی و جامعه شناختی، آثار زیادی به صورت پراکنده از سوی اندیشمندان اجتماعی بدان اختصاص یافته است. در حقیقت، مطالعه از وجود جامعه بر طبق اصول علمی، از آثار برخی از دانشمندان که روابط انسان را با محیط پیرامونش، چه از لحاظ طبیعی و چه از جهت اجتماعی مورد بررسی قرار دادند، ریشه می گیرد. آبخخور اصلی این بحث به معنی علمی آن را که اغلب جامعه شهری و پدیده شهر نشینی را تداعی کند، در آثار فلاسفه یونان و دانشمندان اسلامی می توان یافت. تعبیرهایی مانند «مدنیت طبیعی» و «الانسان مدنی بالطبع» در آثار ارسطو و فارابی (ر.ک؛ مبانی جامعه شناسی، ۱۳۷۳: ۲۶۱ و ۲۷۸) و دیگران (ر.ک؛ طوسی، ۱۳۶۰: ۲۸۰-۲۷۹ و ابن خلدون، ۱۳۷۹: ۷۹-۷۷)، ناظر به چنین دیدگاهی است. البته در نگاه این اندیشمندان اجتماعات کوچکتر از شهر، اجتماع های ناقص اند و هنگامی که به مرحله شهر می رسند نام «اجتماع کامل» یا «جامعه» را به خود می گیرند. (ر.ک؛ درآمدی بر جامعه شناسی ....، ۱۳۷۳: ۲۱۱). اما اکثر قریب به اتفاق جامعه شناسان با اتکا به اطلاعات صریح و مثبت و با توجه به ابعاد اثبات گرایانه وجود جامعه، در دهه دوم قرن بیستم، حجم ادبیات اجتماعی زیادی را به خود اختصاص داده اند. از میان اندیشمندان اسلامی، اگر چه در آثار شیخ طوسی، فارابی و ابن خلدون عبارت هایی دال بر وجود جامعه مشاهده میشود، اما مباحث مستقیمی را در این زمینه که استناد به آیات قرآن داشته باشد، جز در پاره ای موارد کمتر می توان یافت، لکن طرح جدی این بحث را در مباحث مرحوم علامع طباطبائی (ره) می توان دید و پس از او، شهید صدر، شهید مطهری و مصباح یزدی بیشترین ادبیات را در این زمینه به خود اختصاص داده اند. پرسش اصلی که این مقاله به دنبال پاسخ آن است، چیستی هویت جامعه اسلامی و نتایج و فواید مترتب بر آن از منظر قرآن که سیره ی نظری و عملی حضرات معصومین صلوات علیهم اجمعین مبتنی بر آن است، می باشد. در حاشیه این پرسش، چند دغدغه فرعی تر نیز دنبال خواهد شد که عبارتند از اینکه از نگاه قرآن، آیا جامعه دارای ماهیت استقلالی است؟ هستی پایدار جامعه به چیست؟ قرآن تقدم و اولویت را به منافع افراد و کنشگران می دهد یا ساختار های جامعه و اجتماع؟ منشاء تشکیل جامعه و اجتماع چیست و عامل اصلی

اجتماعات مدنی کدام است ؟ و اساساً دیدگاه متفکران متأخر نسبت به جامعه اسلامی چیست ؟

## ۱- مفهوم شناسی جامعه

واژه «جامعه» علی‌رغم کاربرد فراوان خود هنوز تعریف جامع مانع نیافته است (ر.ک؛ ساروخانی، ۱۳۷۵: ۱۰۶) و یکی از واژگان مبهم و کلی در میان اندیشمندان اجتماعی است (ر.ک، باتامور، ۱۳۵۷: ۱۲۴ و کولد و گولت، ۱۳۷۶: ۲۸۷) این ابهام تا جایی گسترش یافته که گاه با واژگانی مانند «ملت»، «امت»، و مفاهیم دیگری، حتی با مجموعه گسترش یافته ای در دوره قابل ملاحظه ای از زمان، یعنی «تمدن» نیز مترادف شده است و گاه برخی عالمان اجتماعی، آن را صرفاً به اجتماع های بزرگ اطلاق کرده اند که رابطه ای ارگانیک میان اجزاء و بافت های متشکل آن برقرار است و جوامع کوچکتر را که به مرحله مدنیت نرسیده اند، جماعت، گروه، دسته و... نامیده .

در نگرش بسیاری از عالمان اجتماعی، میان «جامعه» و «اجتماع» نیز تمایز نهاده شده است . جامعه مبتنی بر اراده اندیشیده ، روابط صوری و قراردادی بین انسان ها دانسته شده، حال آنکه آنچه در زبان فارسی، «اجتماع» یا «جامعه معنوی» ترجمه شده، ناشی از اراده ارگانیک و پیوندی عاطفی بین انسان هاست (ر.ک؛ ساروخانی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۸۰۷) .

در زبان عربی قدیم ، این واژه صرفاً کاربرد لغوی داشت و به معنی اصطلاحی و رایج امروزی آن ارتباطی ندارد . در قرآن نیز واژه «جامعه» مشتقات آن به مفهوم رایج و اصطلاحی آن نیامده است . اما با توجه به تعریف ها و ویژگی هایی که برای جامعه شمرده می شود، ساخت ها و واژگان اجتماعی دیگری را که در زیر مجموعه این مفهوم هستند، می توان در آیات متعددی بازیافت که دلالت بر وجود، ویژگی ها و سنت های موجود آن دارد، مانند فنه، قرن، قریه، شعوب، رهط، امت، خانواده، قوم، حزب، طائفه، قبیله، معشر، مدینه، ساکنان یک سرزمین وسیع، افراد پیرامونی یک دین و... بنابراین، مفهوم جامعه از دیدگاه قرآن، یک مفهوم تشکیکی و دو مراتب است .

از نظر لغوی، واژه «جامعه» اسم فاعل مونث از مصدر «جمع» به معنی گردآورنده، فراهم کننده و جمع کننده می باشد (ر.ک این منظور، ۱۴۰۸ ق: ذیل واژه). در عرف نیز هر

موردی که بتواند برای گروهی از مردم، وجهی جامع و جهت وحدتی اعتبار کرد، اطلاق لفظ جامعه بر آن رواست، اما در معنای اطلاحي این مفهوم، دانشمندان علوم اجتماعی، قید هایی را لازم دانسته اند که در کم و کیف آن اختلاف زیادی پدید است که دستیابی به یک تعریف روشن، جامع و مانع را غیر ممکن یا دشوار کرده است، به ویژه اگر مقصود از تعریف «جامعه»، روشن ساختن حقیقت جامعه باشد به تعریفی ساده و اجمالی از آن؛ زیرا توصیف وضعیت جامعه از تمام ابعاد، برای دستیابی به تعریفی کامل و جامع، امری ممتنع است.

بنابراین، در تعریف اصطلاحی، به کلیاتی ساده و اجمالی از آن بسنده می شود .

با این وصف، هر یک از عالمان اجتماعی، بر حسب وابستگی به مکتب با رویکرد خاص، در تعریف خود از جامعه به عناصری اشاره کرده اند؛ مثلاً برخی به عناصری مانند اهداف عام المنفعه تاکید کرده اند (ر.ک، کینگ، ۱۳۵۵: ۲۰۱ و صلیبا، ۱۳۷۰: ۱۵۲)، برخی دیگر سنت ها، عبادات، رسوم، شیوه زندگی و فرهنگ مشترک را عناصر اساسی در تعریف جامعه بر شمرده اند . عده ای وحدت جزئی جسمی، روانی و اخلاقی بین موجودات هوشمند، برخورداری از حکومتی پویا، فراگیر و کارآمد، یا هدف، سرزمین و فرهنگی مشترک و پیوند های زیستی، فنی و فرهنگی را مهم دانسته اند (ر.ک؛ مطهری، ۱۳۷۷: ۳۳۳) و روابط گوناگون مشترک، متقابل و نسبتاً پایداری آنها را به هم پیوند می دهد (ر.ک؛ درآمدی بر جامعه)

## ۲- مولفه های جامعه در قرآن

در یک نگاه کلی به واژگان مترادف واژه «جامعه»، مفاهیمی را در قرآن می توان یافت که گر چه هر یک معنای ویژه ای دارد و حاکی از واقعیتی خاص است، اما ناظر به جمع و گروه است. از جمله این موارد، واژه «امت» است که مشتق از «ام» می باشد و به گروهی اطلاق می شود که وجه مشترکی مانند دین واحد، زمان واحد و مکان واحد به طور اختیاری یا اجباری داشته باشند (ر.ک؛ راغب ، بی تا: ۸۶).

این واژه، ۶۵ بار در قرآن کریم تکرار شده که ۵۲ مورد آن به صورت مفرد و ۱۳ مورد آن به صورت جمع آمده است . اطلاق این واژه در برخی آیات قرآن ، بیشتر به معنای جامعه بشری و گروهی هسمن در دین و آیین یا گروهی دارای جهت مشترک اطلاق شده

است که عصر با مکان واحد آنها را به هم پیوند داده باشند و در پناه پروردگار یگانه، هدف مشخص و برنامه ای دقیق را دنبال می کنند ( ر.ک؛ النحل / ۳۶؛ الاعراف / ۷؛ البقره / ۱۲۸ و ۱۳۴ و المائده / ۴۸).

این واژه در قرآن به معانی دیگری نیز از جمله گروه میانه رو در دین آمده است؛ مانند آیه ( مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءٌ مَا يَعمَلُونَ : آنان از گروهی میانه رو و معتدل اند ) (المائده/۶۶). همچنین در آیه ای به معنای گروهی همسان از جانداران هوایی و زمینی آمده است: ( وما من دأئه فی الأرض و لاطائر یطیر یحناحیه الا امم امثالکم ... : هیچ جنبنده ای در زمین و هیچ پرنده ای که با دو بال خود پرواز می کند، نیست مگر اینکه امت هایی همانند شما هستند ... ) (الأنعام / ۳۸).

گاه نیز این واژه در قرآن به معنی پاره ای از زمان آمده است: ( وَلَئِن أُخْرِنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ ... : و اگر مجازات را با زمان محدودی از آنها به تأخیر اندازیم ... ) (هود/۸). معانی دیگری هم برای این واژه هست که در اینجا نیاز به ذکر آن نمی باشد .

واژه «قریه» نیز که بر اشتراک مکانی دلالت دارد و «قرن» نیز که همسانی عصری را می رساند، در قرآن به معنای امت با جامعه در موارد متعددی به کار رفته است؛ مانند آیات (وَ كَمِ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ طَالِمَةً وَ اَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخِرِينَ : چه بسیار آبادی های ستمگری را درهم شکستیم و بعد از آنها، قوم دیگری روی کار آوردیم ) (الأنبیاء/۱۱)، (وَ كَمِ اَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّنْ قَرْنٍ ... : چه بسیار اقوامی را پیش از آنان نابود کردیم که ... ) (مریم/۷۴).

برخی آنرا «مرگب صاعی» دانسته اند که حضور افراد و تأثیر و تأثر آنان بر یکدیگر مطرح است، به طوری که این حضور مانند کار آنها بصورت فردی نیست . البته منظور پدید آمدن موجود جدیدی به نام جامعه هم نیست . در پاسخ به این قول گفته شده هیچ منع عقلی نیست که استناد خواص و آثار به جامعه و نیز به افراد داده شود ؛ زیرا نسبت یک اثر به دو شیء با دو فاعل ، زمانی منع عقلی دارد که آن دو در عرض یکدیگر و مستقل از هم باشند ، اما اگر آن دو شیء در طول هم باشند، یا ترکیب حقیقی با یکدیگر داشته باشند و به صورت مراتب ، شئون و تجلیات حقیقی واحد در آمده باشند، می توانند هر دو علت یک اثر شمرده شوند ، لذا دلیلی نیست که استناد آثار و لوازم وجودی جامعه ، به آن را در آیات آمده است، حمل بر مجاز کنیم (ر.ک؛ پارسانیا، ۱۳۸۰: ۲۱۶)

### ۳- منشا جامعه

انسان موجودی اجتماعی و همواره در اجتماع زندگی کرده است. کاروان انسانیت همواره از اجتماع عبور کرده، زندگی نوع انسان در آن سپری شده است، نوعی رابطه هم زیستی همه مردم را به هم مربوط ساخته است، به تجربه تاریخ هیچ ملت، گروه یا فرهنگی نمی تواند جدا یا مستقل باقی بماند، چرا که تماس با بخشی از جامعه و دنیا، مستلزم تمام قسمت های دیگر است (ر.ک؛ ۱۳۹۷: ۲۷). بحث از منشا زندگی اجتماعی که در حیطه کار فلاسفه اجتماعی است، با بحث از منشا جامعه به عنوان بحثی جامعه شناختی متفاوت است و تنها تعداد اندکی از جامعه شناسان، این دو رو را جداگانه بحث کرده اند؛ به عنوان مثال، پاسخ پیروان هابز بر علت و منشا به هم پیوستگی، بر محور دیدگاه «انسان بسیار اجتماعی شده» دور می زند و پاسخ پیروان مارکس، دیدگاه «به هم پیوستگی بیش از جامعه» را مد نظر دارد (ر.ک؛ کور، ۱۳۷۸: ۱۲۱). اما علت این دو امر، با هم مشتبه شده، در بررسی آنها کمتر به منشا هر یک جداگانه پرداخته می شود. در اینجا نیز فارغ از این تفاوت ها به صورت تسامح، منشأ هر دو در نگاه قرآن مورد بررسی است. بررسی منشأ جامعه و اجتماع از دو ساخت مادی و معنوی قابل ملاحظه است. در اندیشه بسیاری از اندیشمندان اجتماعی، از بعد معنوی موضوع غفلت شده است و بیشتر به جنبه های مادی و صوری اکتفا شده است، اما قرآن توجه عمیقی به عوامل پیدایش و تداوم زندگی اجتماعی انسان ها، در ساخت معنوی که از عامل ایدئولوژی نشأت می گیرد، در اسلام و نیز سایر ادیان اسلامی بیش از هر چیز به آن اهمیت داده شده است. در واقع، اسلام مهمترین مولفه ی پیدایش و تداوم اجتماع بشری را در وحدت فرامادی دانسته که مرز های جغرافیایی، زمانی، خویشاوندی، نژادی و ... را در می نوردد، همه را نیز تحت الشعاع خویش قرار می دهد (ر.ک. برزگر کلمیشی، ۱۳۷۲: ۱۹۶). و باعث الفت بین اعضا می گردد؛ (.. فَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا ... : و او میان دل های شما، الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او، برادر شده اید ... ) (آل عمران / ۱۰۳). در نگاه اسلام، ایمان و عقیده مهم ترین معیار اتحاد و همبستگی جوامع انسانی است که دیگر عوامل را تحت الشعاع قرار می دهد. هر چه روح توحیدی در انسان قوی تر باشد، انسجام اجتماعی بیشتر خواهد بود، نادیده گرفتن بعد معنوی انسان به معنی نفی حقیقت وجود انسان و جامعه انسانی است.

گذشته از بعد معنوی ، گرایش های مختلفی را می توان بر منشأ جامعه و زندگی اجتماعی تصور کرد. عده ای طرفدار منشأ درونی و طبیعی اند و معتقدند که زندگی اجتماعی ، ریشه در درون و سرشت افراد بشر دارد؛ مثلاً ارسطو انسان را به حکم طبیعت خود حیوانی اجتماعی می داند که طبیعت او ، تمایل به زندگی را در او ایجاد می کند (ر.ک؛ ارسطو، ۱۳۷۱: ۵) فارابی و خواجه نصیر نیز انسان را موجود «مَدَنی» می دانند. و سرشت آدمی را سرشتی اجتماعی قلمداد می کنند (ر.ک؛ فارابی، ۱۹۹۶م: ۱۱۴ و طوسی ، ۱۳۶۰ : ۲۴۹۲۵۰) که بالطبع محتاج اجتماع است . در تفسیر المثل نیز ذیل آیه ( وَ مَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً ... ) (یونس / ۱۹) آیه (كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً) (سوره البقره / ۲۱۳) چنین استفاده کرده است که آفرینش به صورت «امت واحد» به این معنا است که چون امکان تنها زیستن و بدون اجتماع با دیگران وجود ندارد ، برای رفع همه احتیاج ها صرفاً نیرو های نفسانی و بدنی او کافی نیست . بنابراین ، باید نیروهای دیگران در رفع نیازمندی ها نیز به وی ضمیمه شود . به همین دلیل اختلاف نیز امری طبیعی است . (ر.ک؛ رشید رضا، بیتا، ج ۲ : ۲۸۲). شهید مطهری نیز معتقد است از برخی آیات چنین استنباط می شود که اجتماعی بودن انسان در متن آفرینش او پی ریزی شده است . اختلاف و وجه افتراق انسانها برای نیازمندی آنان به یکدیگر قرار داده تا زمینه زندگی به هم پیوسته اجتماعی که امر طبیعی است فراهم آید ( ر.ک؛ مطهری، ۱۳۸۴ : ۲۴-۲۱) این آیات عبارتند از ( یا ایُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا ... : ای مردم ! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید ... ) (الحجرات/۱۳) ، ( وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا ... : او کسی است که از آب ، انسانی را آفرید؛ سپس او را نسب و سبب قرار داد ... ) (الفرقان/۵۴) ، ( ... نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سَخِرِيًّا ... : آیا آنان رحمت پروردگارت را تقسیم می کنند ؟ آیا معیشت آنها را در حیات دنیا و در میانشان تقسیم کردیم و بعضی را بر بعضی برتری دادیم تا یکدیگر را به خدمت گیرند ؟ ... ) (الزخرف/۳۲)

عده ای نیز به «منشأ بیرونی» تشکیل جامعه پرداخته اند و معتقدند راز اجتماعی زیستن انسان را باید در عوامل دیگر غیر از عوامل درونی جستجو کرد . افلاطون و ابن سینا علت وجود جامعه را به خاطر رفع نیازمندی انسان از اشخاص متعدد دانسته اند (ر.ک؛

افلاطون، ۱۳۷۴ : ۱۱۴ و ابن سینا ، ۱۴۰۴ ق (۴۴۱). شهرستانی نیز منشأ اجتماع را در احتیاج دنیوی و اخروی زندگی انسان جستجو می کند (ر.ک شهرستانی، ۱۳۶۳، ج ۱ : ۶۰).

برخی دیگر که طرفداران منشأ درونی و بیرونی هستند ، به هر دو عامل درونی و بیرونی پرداخته اند . به عنوان نمونه ، علامه طباطبایی معتقد است که انسان به حکم این که خود را دوست دارد (حبّ ذات) و هم نوع خود را همانند خود می بیند ، طبیعتاً احساس انس درونی وی پدید می آید و به آنان گرایش می یابد . بر اثر این اجتماع ، یک نوع (استخدام) و استفاده از هم نوعان پدید می آید و چون این غریزه در همه به صورت مشابه هست نتیجه اجتماع را می دهد . ایشان بر ذیل توضیح آیه ۳۰ سوره روم ، پس از اشاره به غریزه جنسی به عنوان یک عامل طبیعی که آگاهانه در راستای اصل استخدام مورد بهره برداری قرار می گیرد ، عواطف اجتماعی را نیز در راستای اجتماعی شدن دارای نقشی مؤثر می داند . (ر.ک؛ طباطبایی ، ۱۴۱۷ ق.ج ۲ : ۸۰-۷۸ و ۶۹-۷۰ و همان ، ج ۴ : ۹۳)

در نتیجه ، در ساخت مادی نخستین عامل پیدایش و استقرار زندگی اجتماعی از منظر قرآن را می توان در یک جنس بودن دو انسان اولیه و احساس نیاز مشترک آنها به هم بازیافت که به عنوان یک غریزه حیوانی و در کنار آن، عواطف خانوادگی و اجتماعی با تولد فرزندان و ایجاد ارتباط های سببی و نسبی به یکدیگر ، عوامل طبیعی جامعه انسانی تلقی می شوند . (ر.ک؛ همان ، ج ۱ : ۲۹۷) بنابراین ، نخستین حلقه های ارتباط انسان ها و تشکیل جامعه انسانی در خانواده شکل می گیرد . ( وَ مِنْ آيَاتِ اَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا لَتَسْكُنُوا اِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً ... ) : و از نشانه های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش را بیابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد ... ) (الروم/۲۱) . در عین حال ، این روابط موجب نوعی پیوستگی ، پیدایش قبایل مختلف و شعوب گوناگون است و پس از آن ، زندگی اجتماعی از حد قبایل فراتر رفته ، به مرحله ملیت ها ؛ رنگ ها و اختلاف در آنها منجر می شود . این دو عنصر باعث نوعی وحدت میان اعضای هر یک از گروه ها می شود : ( وَ اَخْتِلاَفُ اَلْسِنَتِكُمْ وَ اَلْوَانِكُمْ ) (الروم/۲۲) .

همچنین تفاوت انسان ها از جهات مختلف باعث نیازمندی انسان ها با یکدیگر ، هم زیستی ، کسب و تجارت شده ، زندگی اجتماعی را دوام بیشتری بخشیده است و نیاز های بشری که روز به روز افزایش می یابد ، موجب ایجاد اجتماع و سبب استحکام بیشتر آن می



گردد ( ر.ک ؛ طباطبایی ، ۱۴۱۷ ق . ج ۱۶ : ۱۶۶ ) فواید همکاری و تعاون نیز از جمله عوامل دیگری است که طی زندگی اجتماعی از طریق تجربه عملی و بشری به دست آمده است و موجب استحکام و تقویت زندگی اجتماعی می شود . شایان ذکر است که عده ای از جامعه شناسان کاکرد گرا بحث از وجود جامعه را با تحلیل و نگاهی کار کردی ، توجیه و منشأ آن را در خارج از فرد به صورت اجباری جستجو کردند . اینان معتقدند که هرگز طی تطور اجتماعی لحظه ای پیدا نشده که افراد بتوانند با هم شور کنند تا بدانند آیا صلاح هست که به حیات جمعی یا اجتماعی خاص بپیوندند یا نه ؟ بنابراین ، پیدایش جامعه و نیز هر واقعه اجتماعی را باید در کارکرد آن و در رابطه ای جستجو کرد که هدف اجتماعی معین دارد ( ر.ک؛ دورکیم ، ۱۳۸۳ : ۱۱۹-۱۲۳ )

شهید مطهری مجموعه اقوال درباره منشأ جامعه را به سه دسته فطری، اضطراری و اختیاری تقسیم کرده است . بنا به نظر اول ، عامل اصلی منشأ جامعه ، طبیعت درونی انسان هاست و بنا بر نظر دوم ، عواملی از قبیل امور اتفاقی و عرضی به عنوان غایت ثانوی است نه اولی و نیز بنا بر نظر سوم ، اجتماعی بودن از قبیل غایات فکری است نه طبیعی . استاد مطهری مناسب ترین برداشتی را که با آیات مذکور منطبق است ، در نظر بحسب دانسته است که اجتماعی بودن در متن آفرینش انسان پی ریزی شده است ( ر.ک؛ مطهری ، ۱۳۸۴ : ۲۱ ) .

#### ۴- ارتباط جامعه با فرهنگ

فرهنگ به عنوان مهم ترین وجه تمایز انسان با سایر موجودات و یکی از مفاهیم بسیار رایج در علوم اجتماعی است که تعریف های بسیار زیادی از آن ارائه شده است و با اندکی تسامح می توان در اصطلاح ، آن را به معنای روش های زندگی اعضا یا گروه های یک جامعه دانست که شامل ارزش ها ، هنجار ها ، باور ها و کالاهای مادی آن می شود . جامعه از طریق این عنصر مهم ، افراد را به باور ها ، اعتقادات و رفتار های معین و می دارد . واقع ، فرهنگ، چکیده و عصاره زندگی اجتماعی است ، مشخصه های اصلی آن را می توان در سه جنبه خاص بیشتر تعریف باز یافت : « پدیدار شدن در تعامل های سازش پذیر ، اجرای مشترک داشتن و انتقال آن در طول دوره های زمانی به نسل های مختلف » . از نظر مفهومی ، گرچه می توان مفهوم فرهنگ و جامعه را از هم متمایز ساخت ، به طوری که

فرهنگ را متشکل از شیوه زندگی و جامعه را متشکل از مردمی بدانیم که با هم کنش متقابل دارند و در یک فرهنگ سهیم می باشند. اما پیوند های تنگاتنگی میان آنهاست و تلازم همیشگی آن دو، این تلقی را به وجود آورده است که هیچ فرهنگی بدون جامعه نمی توانست پدید بیاید و هیچ جامعه ای در دنیا وجود ندارد، مگر آنکه فرهنگی در شریانهای آن جاری باشد. همواره فرهنگ که به مثابه آغاز حافظه آحاد جامعه است، سازنده سنت ها، رسوم، آیین ها و هنجار هاست و این عنصر نه تنها به مردم می گویند که در گذشته چه چیز هایی مؤثر بوده است، بلکه انتخاب رفتار هایی را که ممکن است در زمان حال مؤثر افتند، برای انسان آسان می کنند و محیط اجتماعی را قابل پیش بینی می کند.

اگرچه تمام مکاتب جهان به ناگسستگی و ارتباط میان این دو مفهوم ملتزم اند، اما نوع ارتباطی که از آیات قرآن می توان استفاده کرد، تفاوت عمیق با آن برداشت دارد؛ یعنی در مکتب های مادی و جامعه شناختی، غایت قصوای زندگی اجتماعی، وجود هنجار ها و ارزش ها را در جهت بر آورده شدن نیاز های مادی جامعه و تامین منافع و مصالح دنیوی انسان ها می داند، حتی دین را که در قله فرهنگ هر جامعه قرار داد، برای حفظ یا افزایش همبستگی در جامعه و رسمیت بخشیدن به وقایع مهم شخصی، یا برای تثبیت مناسبات اجتماعی می دانند، در حالی که مجموعه مؤلفه هایی که در قرآن، ضمن هنجار ها و ارزش ها آمده است، یک فرهنگ را تشکیل می دهند که در هسته مرکزی آنها نیز توحید و پرستش خداوند و تفکر دینی قرار دارد. در واقع، قرآن زندگی اجتماعی و مناسبت هایی که انسان ها در ضمن ساختار های اصلی و فرعی یک جامعه با یکدیگر دارند، به ویژه استخلاف انسان، تشکیل حکومت و استقرار نظم، امنیت و آرامش جامعه را مقدمه ای برای توسعه و تعمیق کمی و کیفی خداپرستی، ایمان و توحید می داند. ارتباط میان فرهنگ و جامعه، یک ارتباط تعاملی است که هر یک در راستای اعطای دیگری می کوشد و هدف اصلی آن، گسترش روح توحیدی در همه دستاورد های مادی و معنوی جامعه است.

## ۵- ماهیت جامعه در آثار اندیشمندان کلاسیک

۱. جامعه به عنوان پدیده ای قراردادی که فی نفسه اصالتی ندارد، بلکه جمعی از انسان ها به موجب تامین منافع، امنیت، رفع برخی از نیاز ها به زندگی اجتماعی، تن می

دهند . توماس هابز ترس انسان در عوامل خطر ساز ، را انگیزه زندگی اجتماعی می داند . ژان ژاک روسو ، وحدت با دیگر انسان ها را عامل تشکیل جامعه می داند .

۲. آگوست کنت ، هربرت اسپنسر و امیل دورکیم ، جامعه را دارای اصالت واقعی دانسته و معتقدند انسان «مدنی بالطبع است» و معتقدند هر چند جامعه از گروه ها و افراد تشکیل شده اند ، لکن حقیقت فرد را باید در جامعه جستجو کرد .

۳. نظریه دیگری در قرن بیستم مطرح شد و تعریف متفاوتی را مطرح کرده ، نظریه جورج زمیل که نظریه «نفی هویت جامعه» و نظریه «اصالت جامعه» امیل دورکیم مبنی بر اصالت جامعه را به چالش کشاند ، این نظریه معتقد است ، فرد به عنوان عنصری میانه دارای جایگاهی است و جامعه نیز از تعامل و ارتباط بین افراد - اعضا شکل گرفته و هدف مشخصی را دنبال می کند .

بنابراین ، تعریف اخیر از جامعه با اصول و مبانی واقعی جامعه شناختی و منابع وحیانی سازگار تر است ، زیرا که در آن هم فرد را دارای جایگاه و تکالیف و حقوق می داند . به مصداق آیه ( ان السمع و البصر و الفواد کل اولئک عنه مسئولوا ) (الاسرا-۳۶) و هم جامعه را به مصداق آیه ( و من احیایا فکانما احیا الناس جمیعا ) ( المائده - ۳۲ )

## جایگاه جامعه اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب

بیانیه گام دوم دارای آموزه ای جامع و کامل است . که به صورت شفاف آرمان ها و اهداف متعالی در ورود به دهه پنجم ترسیم شده است ، در محور های ذیل مورد بررسی قرار میگیرد :

### محور ۱ : تکریم و تعظیم ملت ایران

تکریم و تعظیم ملت ایران و حفظ کردن یک انقلاب منحرف نشده اولین نکته ای است که مشاهده می شود . مانند اینکه : ملت ایران چه ملتی است ، کمتر اتفاق می افتد که ملت ها انقلاب کنند و کمتر این که انقلاب را حفظ کنند .

## محور ۲: توصیف انقلاب اسلامی به عنوان یک نهضت بزرگ دینی

دومین نکته بیانیه از انقلاب به عنوان یک نهضت بزرگ دینی یاد می کنند. انقلاب علی القاعده یک پدیده سیاسی است، ما میگوییم انقلاب بزرگ، انقلاب اجتماعی، انقلاب سیاسی، به عنوان یک نهضت بزرگ دینی یاد کردن بدیع است و بیان می کند که چطور این نهضت بزرگ دینی در معرکه ای از بی دینی ها اتفاق می افتد، یعنی در میانه معرکه ایدئولوژی های چپ و راست، یعنی در معرکه نزاع یا هموارد طلبی ایدئولوژی سوسیالیسم، مارکسیسم و راست لیبرالیسم، کاپیتالیسم یک دفعه نهضتی به نام دین اتفاق می افتد. این هم پدیده بدیعی است که از انقلاب اسلامی به عنوان یک نهضت بزرگ دینی یاد می کند. به هر حال یکی از مباحث مهم انقلاب اسلامی این بود. انقلاب اسلامی زمانی در ایران پیروز شد که اوج فعالیت چپ ها (مارکسیست ها) بود و هیچ کس در دنیا انقلاب نمی کرد مگر اینکه چپ باشد و در جامعه شعار ضد سرمایه داری و ضد امپریالیستی بدهد.

## محور ۳: اضافه کردن شعار های بدیع به شعار های انقلاب اسلامی

سومین محور این است که رهبر معظم انقلاب اسلامی شعار های انقلاب را در اینجا گسترش می دهند؛ به عبارتی شعار های انقلاب یا چهار شعار اصلی انقلاب که مبتنی بر چهار خواسته اصلی و بنیادین مردم ایران در سال ۵۷ بود، مورد تاکید قرار می دهند و هم بر آن چهار مورد دیگر اضافه می کنند. آن چهار موردی که مردم ایران برای آن در سال ۵۷ انقلاب کردند، استقلال، آزادی، عدالت و معنویت بود. معظم له در واقع چهار بحث جدید را به آن اضافه می کنند که عبارتند از اخلاق، عزت، عقلانیت و برادری. این به لحاظ افکار عمومی دنیا و جوانان جالب بود که از این هشت مورد به عنوان شعار های انقلاب یاد می کنند. استقلال، آزادی، عدالت، معنویت، اخلاق، عزت، عقلانیت و برادری و جالب اینکه از آن به عنوان شعار های جهانی و ارزش های دینی انقلاب یاد می کنند. یعنی به عبارت دیگر گفتمان جدیدتر، چنین می شود که گروه های سیاسی داخل کشور اگر قرار است به انقلاب اسلامی وفادار بمانند باید تلاش کنند که جامعه ای ایجاد شود که در آن استقلال در کنار آزادی و آزادی در کنار عدالت و عدالت در کنار معنویت و معنویت در کنار اخلاق و اخلاق در کنار عزت و عزت در کنار عقلانیت و عقلانیت در کنار برادری باشد. جامعه باید مبتنی بر این هشت مورد باشد که از آن به عنوان شعار های

جهانی انقلاب یاد می شود ، یعنی اینها ارزش های دینی برخاسته از دین اسلام و ارائه شده توسط انقلاب اسلامی است که جهان هم آن را مطالبه می کند .

#### **محور ۴ : انقلابی ماندن**

چهارمین محور نظریه نظام انقلابی یا به تعبیری نظریه انقلاب دائم است . در انقلاب ها یک ادبیاتی وجود دارد که می گویند انقلابیون دو دسته می شوند . عده ای انقلاب گرایان دائم یا طرفداران انقلاب دائم می شوند یعنی انقلابی عمل کردن دائم . یک عده هم معتقدند انقلابی بودن برای یک فصلی است و وقتی انقلاب پیروز شد انقلابی عمل کردن ممکن نیست . به طور مثال پمپئو و تیم جدید آمریکایی یکی از اخطار هایی که به ایران دادند ، این بود که ایران باید بین انقلابی بودن و یک نظام سیاسی بودن یکی را انتخاب کند .

این را مطرح می کردند که نمی شود دائما انقلابی بود . مقام معظم رهبری از جمله کسانی هستند که بر انقلاب دائم تاکید دارند و این را در این جمله می گویند که انقلاب اسلامی پس از نظام سازی به رکود و خموشی دچار نشده و نمی شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی بیند . ایشان طرفدار این موضوع است و در اینجا به صورت شفاف مطرح و تاکید می کنند .

#### **محور ۵ : ایجاد تمدن نوین اسلامی**

یکی دیگر از موارد مهم مطرح شده در بیانیه که به صورت شفاف آرمان بزرگی را برای انقلاب اسلامی ترسیم نموده با عنوان «ایجاد تمدن نوین اسلامی» بیان می کند . به عبارتی هدف غایی انقلاب اسلامی ایران را ایجاد تمدن نوین اسلامی بیان می کنند . تمدن نوین اسلامی در جمله رهبر انقلاب با این تعبیر آمده است : «انقلاب اسلامی اینک وارد دومین مرحله خود سازی ، جامعه پردازی و تمدن سازی شده است . عزیزان از انقلاب خود حراست و آن را هر چه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی است ، نزدیک کنید »

#### **محور ۶ : بازتاب انقلاب اسلامی در نظام بین الملل**

رهبر معظم انقلاب تاکید بر بازتاب انقلاب اسلامی در نظام بین الملل دارند و این بازتاب را در دو حوزه بیان می کنند : « (۱) انقلاب اسلامی جهانی دو قطبی را سه قطبی

کرد ، یعنی جهان مارکسیسم و غرب به رهبری آمریکا با شرق به رهبری شوروی با ایدئولوژی سوسیالیسم ایدئولوژی لیبرالیسم- کاپیتالیسم و یک قطب جدیدی شکل گرفت به نام قطب جهان اسلام . ۲) بعد از فروپاشی شوروی ، جهان در حالی که چند قطبی شده ، انقلاب اسلامی جبهه مقاومت را در برابر نظام سلطه ی استکباری مطرح نمود و این رویکرد در چهار دهه گذشته بصورت پویا و فعال نقش خود را ایفا نمود .»

### **محور ۷: اعتقاد به اصل «ما میتوانیم»**

رهبر معظم انقلاب : اصل « ما میتوانیم » را به عنوان یکی از مهمترین دستاورد های انقلاب اسلامی ایران یاد می کنند . می گویند که مدیریت های جهادی الهام گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل ما میتوانیم که امام بزرگوار به ما آموخت ، ایران را به عزت و پیشرفت در همه عرصه ها رسانید . میگویند مهمترین دستاورد انقلاب اسلامی همین ما میتوانیم است .

### **محور ۸: تاکید بر دستاورد های انقلاب اسلامی**

یکی از مهم ترین بخش های بیانیه این قسمت است که در هفت بند بیان می کند که دستاورد های انقلاب چه بوده است و در انتها هم در هفت بند بیان می کند که چه باید بکنیم . البته برای اینکه از این هفت بند که مهم ترین دستاورد های انقلاب اسلامی است ، یاد بکند ، به پنج واقعیت اشاره می کند . آن پنج واقعیت عبارتند از :

۱) حکومت مردمی و مردم سالاری دینی (۲) اراده ملی (۳) میدان داری جوانان (۴) روحیه و باور « ما میتوانیم » (۵) عدم هراس از تحریم دشمنان که می فرمایند تحریم دشمنان باعث اتکا به دستاورد داخلی شد .

### **محور ۹: باور عمیق به انقلاب و انقلابی گری به مثابه مشی و منش**

باور عمیق به انقلاب انقلابی گری به مثابه مشی و منش است . اگر بی توجهی به شعار های انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه هایی از تاریخ ۴۰ ساله نمی بود ، بی شک دستاورد ها بیشتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نداشت . این هم نگاه ایشان را متمایز می کند . در نهایت کارنامه درخشان ۴۰ ساله انقلاب اسلامی ایران را به کشور پیشرفته تبدیل کرده و از لحاظ خارجی ایران قدرت منطقه شده است . آنچه در ایران در ۴۰ سال از لحاظ داخلی اتفاق افتاد ، ایران را تبدیل به یک کشور پیشرفته کرد .

### محور ۱۰: امید و نگاه خوشبینانه به آینده

توصیه های هفت گانه به جوانان برای آینده با محوریت امید و نگاه خوشبینانه به آن ، دوری جستن و بر حذر داشتن همزمان از امید کذب و ترس کاذب ، اصل قرار دادن اینکه ترس و ناامیدی را از خود دور برانند نخستین و ریشه ای ترین جهاد جوانان است . تحلیل رهبری از مهم ترین سنگ جلوی جوانان این ترس و ناامیدی است ، دشمن به دنبال مایوس سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است .

### محور ۱۱: معنویت و اخلاق

از جمله موضوعات ارزشمندی که در این بیانیه است ، تعریف کردن برخی مفاهیم است ، از جمله تعریف معنویت و اخلاق ، تعریف آزادی و استقلال است و تعاریف بدیع و جالبی دارد .

معنویت به معنی برجسته کردن ارزش های معنوی از قبیل اخلاص ، ایمان و توکل در خود و در جامعه . اخلاق نیز به معنی رعایت فضیلت هایی مثل خیر خواهی ، گذشت ، کمک به نیازمند ، راستگویی ، شجاعت ، تواضع ، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است . اینجا ایشان به مثابه رهبر انقلاب وقتی از اخلاق صحبت می کنند یعنی توصیه می کنند ملت ایران اگر می خواهید به جایی برسید باید خیرخواهی ، گذشت و کمک به نیازمند و شجاعت داشته باشید و معنویت و اخلاق جهت دهنده همه حرکات و فعالیت های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است . بعد اشاره می کنند محیط زندگی راحت با کمبود های مادی بهشت می سازد و نبودن آنها جهنم می آفریند و جمله جالب تر اینکه می گویند این دو عامل اخلاق و معنویت بدون همراهی حکومت ها توفیق چندانی نخواهند داشت .

### محور ۱۲: سبک زندگی

می فرمایند تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران زیان های مهم و بی جبران اخلاقی ، اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت زده است ، ایشان هم به گونه دیگری ، چالش های جمهوری اسلامی ایران را تجدد دو گانه و سنت تعبیر می کنند . از زمانی که تجدد در ایران راه پیدا کرد ، یکی از سو گیری ها و هدف گیری هایش سنت ها دینی بوده است که یک مقابله ای را ایجاد کرد بین تجدد گرایان و سنت گرایان ، خصوصا

دین گرایان . تصمیم گیران و تصمیم سازان باید با راهکار های علمی ، واقع بینانه به این مساله توجه جدی مبذول دارند .

در این میان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که بر اساس قانون اساسی حفظ نظم و امنیت مردم در تمام ابعاد آن را بر عهده دارد ، در کنار سایر نیرو های مسلح و دستگاه های امنیت ساز می تواند با انجام دقیق وظایف خود موجب تحقق اصول ۷ گانه مورد اشاره مقام معظم رهبری در بیانیه "گام دوم انقلاب" شود که نقش ناجا در تحقق جامعه اسلامی مورد بررسی قرار می گیرد .

### **نقش نیروی انتظامی در ایجاد فضای امید و نشاط در جامعه :**

نیرو های مسلح کشور به معنا عام بر اساس اصل ۱۴۳ ق.ا.ک پاسداری از استقلال ، تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی را عهده دار میباشند همچنین در اصل ۱۴۴ ق.ا.ک تصریح شده است که قوای مسلح کشور باید ارتشی ، مکتبی و مردمی باشد و در اصل ۱۴۸ تاکید شده است در زمان صلح ، افراد و تجهیزات ارتش باید در کار های امدادی ، آموزشی و تولیدی با رعایت موازین اسلامی استفاده کند . بنابراین نقش نیروی انتظامی در این عرصه بی بدیل و منحصر به فرد است .

مهمترین راهبرد در در گام دوم انقلاب ، امید و نگاه خوشبینانه به آینده است . امید به آینده مقوله ای است که با احساس امنیت گره خورده چرا که اگر در جامعه احساس امنیت وجود نداشته باشد طبیعتاً مردم آن جامعه نیز نمی توانند آمیدی به آینده داشته باشند . بنابراین یکی از وظایف نیروی انتظامی برای تحقق این راهبرد باید تلاش جهاد گونه برای تقویت امنیت در بین مردم باشد.

نیروی انتظامی با استقرار نظم و انضباط در جامعه و مقابله جدی با هنجارشکنان و بر هم زندگان امنیت مردم می تواند زمینه ای را فراهم کند تا مردم در یک فضای پر امید و با نشاط از آزادی های مشروع خود استفاده کرده و به تفریح و سرگرمی و گشت و گذار در تفرجگاه ها ، مراکز تفریحی و اماکن گردشگری بپردازند .



## استفاده از ظرفیت مردمی به ویژه جوانان در تأمین امنیت

محور اصلی بیانیه گام دوم انقلاب تکیه و اعتماد به جوانان مؤمن و انقلابی است . در این زمینه ناجا می تواند با بهره گیری از استعدادهای درخشان و تکیه بر توان نیرو های جوانان داخل امنیت پایدار و با ثبات را در جای جای کشور بزرگ اسلامی ایران مستقر کند. استفاده از جوانان برای تأمین امنیت کشور همیشه مورد توجه ناجا بوده که در همین راستا می توان به طرح هایی همچون همیاران ، پلیس یاران جوان و پلیس افتخاری اشاره کرد .

## استفاده از تحقیق و پژوهش برای تأمین امنیت

توجه به علم و پژوهش شکوفایی و خلاقیت یکی دیگر از محور های این بیانیه بود از جمله نکاتی است که بایستی در نیروی انتظامی با شتاب بیشتری به آن پرداخته شود . ناجا با استفاده از نخبگان جوان ایرانی و بهره گیری از تحقیقات و پژوهش های دانشگاهی می تواند در راستای بهبود عملکرد و کیفیت بخشیدن به مأموریت های خود گام برداشته و با ارائه راه کار های علمی برای کاهش حوادث ، جرایم و آسیب های اجتماعی نه تنها می تواند به امنیت و شکوفایی بیشتر جامعه کمک کند بلکه با ساخت تجهیزات مورد نیاز خود از خروج سرمایه های کشور جلوگیری کند .

## تربیت نیرو های پلیس با تکیه بر دین و اخلاق

معنویت و اخلاق نیز که مورد اشاره مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب است نیز در نیرو های مسلح و به ویژه ناجا باید مورد توجه قرار گیرد ، نهادینه کردن حس مسئولیت پذیری ، مصرف صحیح و بهینه بیت المال ، افزایش بهره وری ، تکریم ارباب رجوع ، حساسیت نسبت به برخورد با مفسد ، امر به معروف و نهی از منکر درون و برون سازمانی و ... جز با تمرکز بر اخلاق اسلامی و ارتقای معنویت محقق نخواهد شد .

## مبارزه با مفسدان اقتصادی :

اقتصاد ، عدالت و مبارزه با فساد از دیگر نکات بسیار مهم بیانیه گام دوم انقلاب به شمار می آید ، در این خصوص باید گفت پلیس به عنوان نیروی مقتدر نظام می تواند از

طریق مبارزه گسترده با قاچاق کالا و ارز که عامل اصلی تعطیلی بسیاری از کارخانجات و واحد های صنعتی شده اند نقش خود را در تحقق این موارد به خوبی ایفا کند .

رهبر فرزانه انقلاب در این بیانیه فرمودند : " ایجاب می کند که دستگاهی کار آمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه گانه حضور دائم داشته باشد و به معنی واقعی با فساد مبارزه کند ، به ویژه در درون دستگاه های حکومتی " همچنین میفرمایند : " همه باید بدانند که طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه مقامات حکومت جمهوری اسلامی ایران است . همه باید از شیطان حریص بر حذر باشند و از لقمه های حرام بگریزند و از خداوند در این باره کمک بخواهند و دستگاه های نظارتی و دولتی باید با قاطعیت و حساسیت ، از تشکیل نطفه های فساد پیشگیری و با رشد آن مبارزه کنند . " بی شک برخورد جدی با عاملان نا امنی در حوزه اقتصادی موجب بازگشت روی خوش آرامش ها به بازار ها شده که خود گام نخست در بهبود اوضاع اقتصادی به حساب می آید و دیگر دستگاه ها را در رسیدن به وضعیت مناسب اقتصادی ، تحقق عدالت اجتماعی و ریشه کنی مفاسدان اقتصادی که از خواسته های رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم است ، یاری می کند .

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی با تعقیب خاطیان ، مجرمان و هنجارشکنان می تواند امنیت و آرامش بیشتر را فراهم کند تا مردم بتوانند در سایه این امنیت به فعالیت های روز مره خود بپردازند و کشور را در مسیر پیشرفت یاری دهند ، پیشرفتی که عزت ملی و سربلندی در دنیا یکی از دستاوردهای آن خواهد بود .

## **پرهیز از ورود پرسنل ناجا به جریان های حزبی و اهتمام به اصل ولایتمداری**

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران ضمن همگرایی موثر با سایر قوای مسلح جهت هم افزایی بیشتر به عنوان سازمانی مطیع ولایت مطلقه فقیه به عنوان فرماندهی معظم کل قوا همواره مرز بندی خود با دشمن را حفظ کرده است و تمام تلاش خود را به کار بسته است تا اسیر فریب ها و اغوا های رسانه ای دشمنان نشود .

یکی از افتخارات نیروی انتظامی نیز این است که در هیچ کدام از جریان های فتنه ها دچار انحراف و لغزش نشده اند که این موضوع را باید نشانه بصیرت بالای آنان و پایداری آنان به انقلاب و آرمان های شهدا دانست .

ماموران پلیس همواره با ذکاوت و بصیرت و با هوشمندی و تدبیر بالای خود سیاست مدارا را با معترضان و برخورد قاطع و مقتدرانه با محرکان و آشوبگران اصلی را به کار برده و توانسته اند با این تدبیر توطئه مقابل هم قرار دادن پلیس و مردم در تجمعات را خنثی کنند که این روند با آموزش های ویژه به کارکنان همچنان ادامه خواهد داشت .

### **تأثیر عملکرد پلیس بر سبک زندگی مردم**

نیرو های مسلح به خصوص نیروی انتظامی به عنوان نیرویی که در بطن اجتماع است و بیشترین ، ارتباط با بدنه مردم را دارد به عنوان الگوی عملی و رفتاری مردم قرار دارد و قطعاً سبک زندگی ، منش اخلاقی و نحوه رفتاری و گفتاری کارکنان نیروی انتظامی بر سبک زندگی مردم نیز تأثیر دارد .

از همین رو نیروی انتظامی بایستی سبک زندگی کارکنان ، کادر و وظیفه خود را به عنوان یکی از اولویت ها اهمیت دهد . مواردی همچون ساده زیستی ، صداقت در گفتار و رفتار ، حسن معاشرت با مردم ، امانت داری و ... از اصول تربیتی به شمار می آید که نیروی انتظامی همواره بر آن تأکید دارد .

از طرفی دیگر نظارت پلیس بر واحد های فروش پوشاک و برخورد با فروش اجناس انحرافی و غرب مآبانه ، مقابله جدی با مروجان بد پوششی ، بی بند و باری ، جلوگیری از دور کردن خودرو های لوکس و گران قیمت و فخر فروشی به اصطلاح افراد مرفه و مواردی از این دست می تواند در تغییر سبک زندگی مردم تأثیر بگذارد که تاکنون این گونه اقدامات از سوی ناجا در حال انجام است و باید همچنان با قوت و اقتدار بیشتری در راستای تحقق بیانیه گام دوم انقلاب ادامه یابد که البته حمایت و پشتیبانی دیگر دستگاه ها را هم می طلبد .

همانطور که اشاره شد ، نیروی انتظامی در تحقق اهداف بیانیه گام دوم نقش جدی و بسزایی دارد و از همین رو خود را ملزم و مکلف می داند تا نسبت به اجرای اصول مد نظر

حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای (مد ظله العالی) برای گام دوم انقلاب و ادامه پیشرفت ایران اسلامی با عزم جهادی و روحیه بسیجی تلاش کند .

بی تردید "گام دوم انقلاب" بیانیه ای است که اداره انقلاب را از نسل گذشته به نسل جدید و جوان واگذار می کند . پس باید با همه دستگاه ها تلاش خود را انجام دهیم که این انتقال به خوبی صورت گیرد و ان شاء الله جوانان نسل برومند ایران اسلامی پرچم این انقلابی که ثمره خون هزاران شهید ، جانبازان و آزاده و سرافراز و مجاهدت علما و مراجع عظام در طول تاریخ اسلام است را به صورت سالم و بدون هیچ گونه عیب و ایرادی به صاحب اصلی آن یعنی حضرت ولیعصر (عج) تحویل دهند .

## نتیجه گیری

اجتناب ناپذیر بودن اصل روابط اجتماعی ، شکل تعامل انسان ها و ارتباط آنها در حیات جمعی خود ، از جمله مباحثی است که در آیات متعدد به آن پرداخته شده است ، لیکن این مسائل متفرع بر یک سلسله مباحث زیر بنایی است که در قرآن آمده است . اصولاً مباحث اجتماعی قرآن را می توان ، به دو دسته مبنایی و بنایی تقسیم کرد . دسته اول مباحثی است که سایر مباحث اجتماعی بر آن استوار است و موضع گیری های نسبت به آن در بررسی سایر مسائل موثر است . دسته دوم مباحث درون علمی علوم اجتماعی است که مباحث آن مبتنی بر موضع گیری های دسته اول است .

بحث از وجود یا عدم وجود جامعه ، دارا بودن یا نبودن استقلال ، شعور ، عمل ، احساس و قدرت به موازات و در کنار وجود و استقلال فرد به لحاظ آنکه می تواند در رهیافت های جانبی خود تاثیر گذار باشد ، تقریباً به دغدغه مهمی در بیشتر دانش ها تبدیل شده است . اگرچه نظریه پردازی های مختلفی درباره وجود یا عدم وجود جامعه ابراز شده است و در آیات نیز صراحتی بر تقدم بر اصالت فرد یا جامعه دیده نمی شود ، اما از اوصافی که برای جامعه آورده می شود و این اوصاف قابل استناد به فرد نیست ، اینگونه برداشت می شود که وجود مجاری برای جامعه متصور است و یک نوع روح جمعی بر سر افراد جامعه سایه افکننده که غیر از وجود آنان است . با این وصف ، می توان به وجود سنت ها و قوانین بر جامعه ملتزم بود . همچنین امکان حاکمیت ایدئولوژی واحد با چنین ویژگی

امکان پذیر می باشد . بر این اساس ، وجود سنن ، قوانین و ایدئولوژی واحد ، پیش بینی و بررسی علل اعتلا ، انحطاط آن نیز میسر می گردد .

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از نهادهای مهم انتظامی ، امنیتی رابطه وثیق با لایه ها و سطوح مختلف اقشار جامعه در تحقق اهداف بیانیه گام دوم نقش جدی و بسزایی دارد که در صورت زمینه سازی و بستر سازی و شفاف ظرفیت های قانونی و اجتماعی می تواند در تداوم انقلاب و پیشرفت همه جانبه آن با عزم جهادی و روحیه انقلابی ایفای نقش بنماید . بی تردید و تحقیقاً بیانیه گام دوم در اولین چله انقلاب و اوضاع و احوال بین الملل و تحولات اجتماعی جانی تازه به کالبد انقلاب اسلامی بود که علیرغم موانع داخلی و خارجی ، یا انتقال اداره انقلاب از نسل گذشته به نسل جدید با بهره مندی منطقی و معقول از تجربیات گرانسنگ نسل انقلابی سابق شتاب بیشتری یافته و در حقیقت نیروی انتظامی ، با هموار نمودن بستر مطلوب و رفع موانع در تحقق حداکثری گام دوم انقلاب نقش بدیلی را ایفا نماید .

## منابع

قرآن کریم

۱. ابن خلدون ، عبدالرحمن . (۱۳۷۹) . القدمه . ترجمه محمد پروین .
۲. گنابادی . چاپ نهم . تهران : شرکت انتشارات عامی و فرهنگی .
۳. ابن سینا . حسین بن عبدالله . (۱۴۰۴ ق ) . قسمت الهیات . تحقیق فتوائی و سعید زائد . قم : انتشارات کتابخانه نجفی .
۴. ابن منظور ، محمد بن مکرم . (۱۴۰۸ ق ) . لسان العرب . بیرون : داراحیاء التراث العربی .
۵. ادیبی ، حسین . (۱۳۵۴) . جامعه شناسی طبقات اجتماعی . تهران : دانشگاه تهران .
۶. صلیبا ، جمیل . (۱۳۷۰) . واژه نامه فلسفه و علوم اجتماعی . ترجمه برگ نیستی و صادق سجادی ، چاپ اول . تهران : شرکت سهامی انتشار
۷. طباطبائی ، محمد حسین . (بی.تا) . اصول فلسفه و روش رئالیسم . قم : دفتر انتشارات اسلامی .
۸. .... (۱۴۱۷ ق) . المیزان فی تفسیر قرآن . قم : نشر موسسه النشر الاسلامی .
۸. طبرسی ، فضل بن حسین . (۱۴۰۶ ق) مجمع البیان فی تفسیر القرآن . بیروت : نشر دارالمعرفه
۹. طوسی ، نصرالدین . (۱۳۶۰) . اخلاق ناصری . چاپ دوم . تهران : انتشارات خوارزمی .

۱۰. عروسی حویزی، عبد علی. (۱۴۱۵ ق). تفسیر نور الثقلین. قم: انتشارات اسماعیلیان.
۱۱. (بی با). تفسیر نور الثقلین. بیرون: موسسه التاريخ العربی.
۱۲. فارابی ابو نصر. (۱۹۹۶ م). آراء اهل المدينه الفاضله. با
۱۳. مقدمه دکتر نادر بیر بصری. چاپ هفتم. بیروت: دار المشرق.
۱۴. فروند، ژولین. (۱۳۶۲). جامعه شناسی ماکس وبر. ترجمه
۱۵. قانون اساسی کشور
۱۶. عبدالحسین نیک گهر، تهران: بینا.
۱۷. کمالی، علی. (۱۳۸۴). قرآن و جامعه. چاپ اول. قم: نشر فرتاب.
۱۸. کوز، روزنبرگ (۱۳۷۸). نظریه های بنیادی جامعه شناختی. چاپ اول. تهران: نشر نی.
۱۹. کینگ، ساموئل. (۱۳۵۵). جامعه شناسی. ترجمه ربیع مشفق همدانی. چاپ ششم. تهران: نشر سیمرغ
۲۰. گلابی، سیاوش. (۱۳۷۸). اصول و مبانی جامعه شناسی چاپ نهم. تهران: نشر میترا
۲۱. گوریچ، ژرژ و دیگران. (۱۳۷۶). مسائل روانشناسی جمعی و روانشناسی اجتماعی. ترجمه علی محمد کردان. چاپ سوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران
۲۲. گولد، هولپوس و ویلیام ل. کولب. (۱۳۷۶). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه گروه مترجمان. چاپ اول. تهران: نشر مازیار
۲۳. مبانی جامعه شناسی. (۱۳۷۳). تهران: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه
۲۴. مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۰). جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن. چاپ پنجم. تهران: نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۵. مطهری، مرتضی. (۱۳۴۸). جامعه و تاریخ. چاپ هفدهم. تهران: انتشارات صدرا.
۲۶. مکارم شیرازی و دیگران. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۷. موثقی، سید احمد. (۱۳۷۵). استراتژی وحدت. مقدمه علامه
۲۸. محمد تقی جعفری. چاپ دوم. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۹. نجفی علمی، محمد جعفر. (۱۳۷۵). جامعه و سنن اجتماعی در قرآن. چاپ اول. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۰. نصری، عبدالله. (۱۳۸۵). مبانی انسان شناسی در قرآن. چاپ پنجم. تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.